



سهام عدالت و کیفیت سود: دیدگاه اقتصاد سیاسی

محسن ایمنی^۱

فرویدون رهنمای رودپشتی^۲

بهمن بنی‌مهد^۳

هاشم نیکومرام^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۴

چکیده

اقتصادسیاسی، علمی اجتماعی است که به بررسی تعامل پویای بین نیروهای بازار و دولت می‌پردازد و چگونگی تأثیرات تنش و تضاد بین این دو را بر جامعه بررسی می‌کند. نفوذ قدرت‌های سیاسی بر عملکرد شرکت‌ها مؤثر است و مدیران شرکت‌های که در کانون توجه سیاسی قرار دارند، این انگیزه را پیدا می‌کنند تا از روش‌های حسابداری اقتباس کنند که از طریق آن بتوانند سود را مدیریت کنند. براساس طرح سهام عدالت، دولت موظف است سهام شرکت‌های سودده دولتی را بین مردم توزیع کند؛ و ممکن است این شرکت‌ها با استفاده از نفوذ سیاسی، سود خود را مدیریت کنند و بنابراین مطالعه اثر این نفوذ بر کیفیت سود اهمیت خواهد داشت. از این‌رو این پژوهش به بررسی ارتباط بین سهام عدالت و کیفیت سود با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۶ می‌باشد و برای آزمون ارتباط بین متغیرهای از مدل رگرسیون چندمتغیره خطی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وجود سهام عدالت در ساختار مالکیت بر کیفیت سود تأثیر منفی معناداری دارد. چراکه در کشورهای در حال توسعه، نظام اقتصادی، به‌طور غالب مبتنی بر روابط و نفوذ حاکمیت است و به این دلیل توسط دولت و نهادهای وابسته به آن کنترل و حمایت می‌شود؛ لذا می‌توان بیان داشت نفوذ حاکمیت و مدیریت سیاسی در شرکت‌ها می‌تواند کیفیت سود آن‌ها را کاهش دهد. از این‌رو، نتایج پژوهش کاربرد نظریه اقتصاد سیاسی در خصوص اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی (سهام عدالت) و تأثیرش بر کیفیت سود را تأیید می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌های اقتصادی دولت، اقتصاد سیاسی، مدیریت و کیفیت سود، سهام عدالت، اصل ۴۴.

^۱ دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران. mohsen.imeni86@yahoo.com

^۲ استاد گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. roodposhti.rahnama@gmail.com

^۳ دانشیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران. (نویسنده مسئول): dr.banimahd@gmail.com

^۴ استاد گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. nikoomaram@srbiau.ac.ir

۱- مقدمه

اقتصاد سیاسی، به مطالعه وابستگی متقابل بین اقتصاد و سیاست، در یک کشور می‌پردازد (فری^۱، ۱۹۷۸). این مفهوم، تأثیر نیروهای سیاسی بر سیاست‌های اقتصادی و تأثیرات آن بر عملکرد اقتصادی را بررسی می‌کند (افیری و اوکوی^۲، ۲۰۱۷). نفوذ دولت و قدرت‌های سیاسی در واحدهای اقتصادی را می‌توان از جمله مطالعات در حوزه اقتصاد سیاسی در نظر گرفت. بر این اساس شرکت‌های که از ارتباط خوبی با دولت برخوردار باشند، مالیات کمتری می‌پردازند، سهم بازار بیشتری دارند، وام‌های بانکی با سهولت بیشتری برای آنان فراهم می‌شود، دولت در عرضه اولیه سهام (IPO) به آن‌ها کمک می‌کند و نسبت به سایر شرکت‌ها از امتیازهای مهمی بهره‌مند می‌شوند و عملکرد آن‌ها بهبود می‌یابد (لوئیز و جی^۳، ۲۰۰۶). داشتن رابطه نزدیک با دولت ممکن است به شرکت‌های کمک کند تا بر برخی از نواقص و کاستی‌های مکانیسم‌های بازار غلبه کنند (سانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین این انکارپذیر نیست که نفوذ سیاسی دولت، نقش حیاتی را در بسیاری از جنبه‌ها همچون معاملات تجاری و تخصیص منابع بازی می‌کنند (ال‌داحمری و کواسماعیل^۵، ۲۰۱۵)؛ اما برخی دیگر از مطالعات نشان داده‌اند که دخالت و نفوذ دولت در شرکت‌ها موجب ناکارایی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها می‌شود (فن و همکاران^۶، ۲۰۰۷؛ ساری و آتوگرا^۷، ۲۰۱۱). در کشورهای در حال توسعه نظیر جمهوری اسلامی ایران، به دلیل دولتی بودن صنایع، تضاد منافع میان مدیران و مالکان شرکت‌ها وجود ندارد (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۲). ایران از جمله کشورهای است که حضور دولت در صنایع مختلف آن مشهود است و بسیاری از صنایع علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در راستای خصوصی‌سازی، کماکان زیر نظر دولت هستند و اعمال کنترل‌های دولت بر سیاست‌های مالی و عملیاتی آن‌ها دیده می‌شود (باقرپور و همکاران، ۲۰۱۴).

دولت ایران در سال ۱۳۸۵ در راستای رفع فقر و بی‌عدالتی و حمایت از گروه‌های کم‌درآمد، درصدی از سهام شرکت‌های بزرگ نظیر خودروسازی، فولاد، معادن، بیمه، بانک، هواپیمایی، کشتیرانی، نیروگاه‌ها، مخابرات و

نفت و گاز به ارزش اسمی ده میلیون ریال را به هر فرد کم‌درآمد تصویب نمود. قرار شد تا نیمی از قیمت هر سهم تخفیف داده شود و نیمی دیگر نیز به مدت ده سال از محل سود شرکت بازپرداخت گردد. دولت، این سهام را سهام عدالت نامید. سهام عدالت نوعی یارانه است که طبق نظر دولت، از طریق «شرکت‌های تعاونی عدالت استانی» به مشمولان آن واگذار می‌شود. دولت، هدف از عرضه سهام عدالت را گسترش سهم، بخش تعاون در اقتصاد ایران اعلام کرده است. فلسفه وجودی طرح سهام عدالت افزایش ثروت خانوارهای ایرانی کم‌درآمد از طریق گسترش سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی بر اساس توزیع سهام شرکت‌های سودده دولتی بین اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های پایین درآمدی جامعه بوده است. حدود نیمی از جمعیت ایران در حال حاضر مالک سهام عدالت هستند (کوچکی، ۱۳۹۳). توزیع سهام عدالت، یک سیاست عامه‌پسند^۸ است که ناشی از نفوذ دولت بر شرکت‌ها است. این نفوذ باعث می‌شود تا دولت شرکت‌های تحت مالکیت خود را ملزم نماید تا سیاست‌ها اجتماعی و اقتصادی دولت را اجرا نمایند. به‌عنوان نمونه این سیاست‌ها شامل تولید کالای‌های مورد درخواست دولت و نه مشتریان، استخدام افراد برای رفع مشکل بیکاری، تغییر قیمت محصولات و تولید محصول در مناطقی که دولت تعیین می‌نماید. این موضوع باعث خواهد شد تا مدیران شرکت‌ها سود شرکت را بیش‌نمایی نمایند (شیفر و ویشنی^۹، ۱۹۹۴). مطالعات انجام‌شده درباره نفوذ قدرت‌های سیاسی بر عملکرد شرکت، نشان می‌دهد مدیران شرکت‌ها به‌منظور کاهش فشارهای سیاسی، سود را مدیریت می‌کنند و سودهای گزارش‌شده از عملکرد شرکت‌ها، عملکرد واقعی آن‌ها را نشان نخواهد داد (چیو و ما^{۱۰}، ۲۰۱۵). چانی و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۱) معتقدند کیفیت سود گزارش شده توسط شرکت‌های دارای روابط سیاسی و تحت نفوذ قدرت‌های سیاسی به‌طور قابل‌توجهی ضعیف‌تر از سایر شرکت‌ها هست. همچنین مطالعه انجام‌شده در ایالات‌متحده نشان می‌دهد که با تغییر دولت و در نتیجه تغییر در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت، مانند طرح‌های مزایایی بازنشستگی^{۱۲} باعث خواهد شد تا شرکت‌ها در

سیاست‌های عامه‌پسند اجتماعی و اقتصادی کیفیت سود را کاهش می‌دهد. مقالات پیشین در حوزه حسابداری و مالی اثر نفوذ دولت را بر عملکرد شرکت‌ها مورد مطالعه قرار داده است. در مقابل، نتایج این مقاله متمرکز بر نقش برنامه‌های عامه‌پسند دولت در انتخاب روش حسابداری و سودهای گزارش شده است.

در ادامه به بیان مبانی نظری فرضیه‌ها، تحلیل داده‌ها، تحلیل یافته‌ها و ارائه پیشنهادها پرداخته می‌شود که می‌تواند برای پژوهشگران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی مفید واقع گردد.

۲- ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- اقتصاد سیاسی

ریشه اصطلاح «اقتصاد سیاسی» و تغییرات معنایی آن با تأکید خاص بر نخستین کاربرد نو این مفهوم در قرن هجدهم و زوال آن از پایان قرن نوزدهم آغاز شد؛ و از آن پس واژه «علم اقتصاد» به تدریج جای آن را گرفت و تجدید حیات این مفهوم در صورتی متنوعی که به‌طور عمده طی دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت، مطرح شد. ریشه این اصطلاحات به عبارت یونانی «Economy» باز می‌گردد که ترکیبی است از «Eco» یا «Oikos» به معنی «منزل» و «Nomos» یا «Nomos» به معنی «ناموس» آن‌گونه که در عبارت «نظم و ناموس ستارگان» در ستاره‌شناسی مدنظر است؛ بنابراین این معنی سنتی «Oikonomike» یا علم اقتصاد «مدیریت خانوار» بوده است. اصطلاح «اقتصاد سیاسی» در انگلستان، توسط «پتی» مطرح شد؛ اما استوارت (۱۷۶۷) نخستین اقتصاددان انگلیسی بود که این اصطلاح را در عنوان کتاب خود بکار برد. وی در فصل مقدماتی کتاب خود شرح می‌دهد که دقیقاً همان‌طور که «Oeconomy» هنر تهیه همه نیازهای خانوار است. علم اقتصاد سیاسی هم بر آن است تا وجه معاشی مطمئن برای همه شهروندان تأمین کند، هرگونه شرایطی را که ممکن است سبب به مخاطره افتادن این وجه معاش شود از میان بردارد، هر چیزی را که برای برآوردن نیازهای جامعه ضروری باشد، تدارک ببندد و همه شهروندان را به کار گمارد (دینی‌ترکمانی و مالجو، ۱۳۷۷). اقتصاد سیاسی یک روش مطالعه علمی درباره پدیده‌های اجتماعی است. این

راستای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت، سود را مدیریت می‌کنند (دو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۶). با توجه به آنچه در فوق به آن‌ها اشاره شد، پرسش این پژوهش آن است که به‌کارگیری سیاست سهام عدالت و توزیع این سهام میان مردم از سوی دولت ایران تا چه اندازه بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اثرگذار است.

همچنان که بیان شد نفوذ قدرت‌های سیاسی بر عملکرد شرکت‌ها مؤثر است و مدیران شرکت‌های که در کانون توجه سیاسی هستند، انگیزه دارند تا از طریق روش‌های حسابداری سود را مدیریت کنند. براساس طرح سهام عدالت، دولت موظف است سهام شرکت‌های سودده دولتی را بین مردم توزیع کند؛ و ممکن است این شرکت‌ها، قبل یا بعد از عرضه سهام، سود خود را در سطح بالای گزارش کنند و سود آن‌ها کیفیت لازم را نداشته باشد و تحت آن عملکرد واقعی خود را نشان نمی‌دهند؛ و نلی‌ساری و آنوگرا (۲۰۱۱) معتقدند حمایت دولت، مزیت‌هایی را برای شرکت‌ها به ارمغان می‌آورد، اما از طرف دیگر ممکن است منجر به ناکارایی عملکرد شرکت گردد. با توجه به این‌که کشور ایران از جمله کشورهایی است که حضور دولت در صنایع مختلف آن مشهود است و بسیاری از صنایع زیر نظر دولت مشغول به فعالیت هستند و اعمال کنترل‌های دولت بر سیاست‌های مالی و عملیاتی آن‌ها دیده می‌شود. بنابراین، اقتصاد ایران یک محیط ایده‌آل برای بررسی اثر سیاست‌های سیاسی و اثربخشی دولت در کیفیت سود شرکت‌های دارای نفوذ قدرت‌های سیاسی می‌باشند. بنابراین مطالعه اثر این نفوذ بر کیفیت سود اهمیت خواهد داشت.

هدف نخست پژوهش حاضر، بسط و گسترش مبانی نظری مرتبط با موضوع کیفیت سود در کشورها با اقتصاد دولتی است. هم‌چنین هدف دوم پژوهش نیز بررسی تأثیر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی دولت در اقتصادهای نوظهور بر رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی است.

این مقاله با ارائه شواهد جدید به ادبیات موجود در حوزه مالی و حسابداری با در نظر گرفتن نقش سیاست‌های عامه‌پسند اجتماعی و اقتصادی در حسابداری و گزارشگری مالی، کمک می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که

جهانی موجب می‌شد تا حکومت به تنها عامل تصمیم‌گیرنده در سیاست‌های اقتصادی تبدیل نشود. گرایش به صنعتی سازی در دوره رضاشاه تحت تأثیر همین عامل بوده است (یزدانی و شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۸). به بیانی در زمان رضاشاه، دخالت دولت شکل سازمان‌یافته‌ای پیدا کرد. با دولتی شدن تجارت خارجی، تأسیس بانک از سوی دولت و دخالت در آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و شروع برنامه‌ریزی در کشور و هدایت اقتصاد با برنامه‌های عمرانی و افزایش کلان درآمدهای نفتی، همچنین مداخله دولت در تأسیس بنگاه‌های بزرگ و ... دخالت دولت در اقتصاد ایران به شدت افزایش یافت و اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد غربی به دو سوم اقتصاد کشور شد (پورکاظمی و همکاران، ۱۳۹۳). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ضرورت تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب، به‌ویژه در زمینه عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های درآمدی و منطقه‌ای، همچنین دستیابی به خودکفایی و خوداتکایی موجب شد نظام حقوقی - اقتصادی خاصی در قانون اساسی طراحی شود که نتیجه آن پایه‌گذاری اقتصاد دولتی بود. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در همین راستا بود. یکی از عواملی که فرایند رشد و توسعه اقتصادی را خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کند یا متوقف می‌کند، فضای نامطلوب کسب‌وکار اقتصادی در این کشورها است. منظور از فضای کسب‌وکار، عبارت است از مجموعه عوامل مؤثر در اداره یا عملکرد بنگاه‌های تولیدی که از کنترل مدیران آن‌ها خارج می‌باشند (پورکاظمی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۳- کیفیت سود

ریچاردسون و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۰) کیفیت سود را بر اساس میزان پایداری سودهای فعلی در دوره‌های آتی تعریف نموده‌اند. وایت و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۳) کیفیت سود را بر اساس میزان محافظه‌کاری به‌کاررفته در محاسبه سود تعریف نموده‌اند و معتقدند، استفاده از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه منجر به ایجاد سود با کیفیت‌تر می‌شود. لنگ و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۳) سودی که با کیفیت تلقی می‌شود که کمتر مدیریت‌شده باشد، تأثیر اخبار بد در آن منعکس شده باشد و دارای ارتباط قوی با قیمت

رهیافت بر وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل دادن به پدیده‌های اجتماعی مبتنی است؛ به بیانی اقتصاد سیاسی شاخه‌ای است از علوم اجتماعی که قوانین مربوط به تولید و توزیع درآمد و ثروت و اثرات آن را در مراحل مختلف رشد و توسعه جامعه بشری مورد بررسی قرار می‌دهد. این مفهوم از اقتصاد سیاسی به دو صورت مختلف طرح‌شده است: در شکل نخست، «اقتصاد سیاسی» به‌عنوان شاخه‌ای از دانش که حاصل همکاری میان علم اقتصاد و علم سیاست می‌باشد، تعریف شده است. در این تعریف، «اقتصاد سیاسی» شاخه‌ای از دانش است که در آن از چشم‌انداز مقولات و مفاهیم و روش کار علم اقتصاد به حوزه زندگی سیاسی و حکومت نگریسته می‌شود. تعبیر دیگر از اقتصاد سیاسی حوزه وسیع‌تری برای آن در نظر می‌گیرد. در این تعبیر، اقتصاد سیاسی، حوزه‌ای است که از تداخل قدرت سیاسی، نیروهای اقتصادی و گروه‌بندی‌ها و نهادهای اجتماعی پدید می‌آید (علوی‌تبار، ۱۳۸۸). در یک تعریفی بی‌طرفانه «اقتصاد سیاسی مطالعه رابطه میان سیاست و اقتصاد، با تأکید بر ابعاد سیاسی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و ابعاد اقتصادی تصمیم‌گیری‌های سیاسی می‌باشد» (علوی‌تبار، ۱۳۸۸).

۲-۲- اقتصاد سیاسی در ایران

تحولات سیاسی ایران، پس از جنگ جهانی اول که مصادف با ۱۲۹۷ شمسی بود، شرایطی را رقم زد که ایجاد تمرکز سیاسی را به مهم‌ترین ضرورت جامعه ایران تبدیل کرد. تحقق این امر نیازمند ایجاد نهادها و فراهم کردن ابزارهایی چون ارتش، نظام‌های اداری و آموزشی جدید و شبکه حمل‌ونقل بود. انجام چنین کارهایی نیاز به صرف هزینه‌های زیاد داشت. به همین دلیل حکومت ناچار بود برای تأمین هزینه‌ها، منابع اقتصادی کشور را در اختیار بگیرد و به سیاست‌گذاری اقتصادی بپردازد. ماهیت خودکامانه حکومت انجام چنین کاری را آسان می‌کرد. در چنین وضعی، اگرچه حکومت می‌توانست سیاست‌های اقتصادی را در راستای تأمین منابع مالی موردنیاز خود به‌کارگیرد؛ اما وابستگی اقتصاد ایران به بازار جهانی نظام سرمایه‌داری و تأثیرپذیری اقتصاد ایران از تحولات بازار

عملکرد اقتصادی واقعی شرکت‌ها دور خواهد بود (چیو و ما، ۲۰۱۵). قضاوت مدیریت در جهت تعیین سود، اغلب با ارقام تعهدی اختیاری در ارتباط است. مدیران ممکن است با استفاده از انتخاب ارقام تعهدی اختیاری به شیوه‌های فرصت‌طلبانه (شاید برای افزایش پاداش خود و یا پنهان کردن عملکرد ضعیف) دست بزنند و یا اینکه آن‌ها ممکن است این ارقام تعهدی اختیاری را به‌منظور بهبود ارزش اطلاعاتی سود مورد استفاده قرار دهند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). از این‌رو دیچو و همکاران^{۲۱} (۱۹۹۸) معتقدند سود گزارش‌شده توسط شرکت‌ها را می‌توان به‌عنوان شاخص اصلی کیفیت اطلاعات در نظر گرفت؛ و کیفیت سود گزارش‌شده توسط شرکت‌های دارای روابط سیاسی به‌طور قابل‌توجهی ضعیف‌تر از شرکت‌های است که دارای روابط غیرسیاسی می‌باشد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱)؛ و تفاوت در ویژگی‌های بین شرکت، دارای روابط و بدون روابط سیاسی، بیش از همه در کشورهایی کمتر توسعه‌یافته دیده می‌شود (فاسیو^{۲۲}، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش چانی و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد در بین شرکت‌های دارای روابط سیاسی، شرکت‌های که روابط سیاسی قوی‌تر داشتند، کیفیت ارقام تعهدی آن‌ها ضعیف‌تر بود. این شواهد نشان می‌دهد که مدیران شرکت دارای روابط سیاسی کمتر به فشار بازار جهت افزایش کیفیت اطلاعات، حساس هستند. همچنین کیفیت ارقام تعهدی در شرکت‌های خصوصی، دارای روابط سیاسی بهتر از شرکت‌های خصوصی می‌باشد که دارای روابط سیاسی نیستند و روابط سیاسی عمدتاً نقش مهارکننده جهت مدیریت سود «رو به پایین»^{۲۳} را منعکس می‌کند. در مدیریت سود «رو به بالا»^{۲۴}، این نقش کم‌تر است. از نظر بازار، روابط سیاسی می‌توانند میزان واکنش سود را در بازده بهبود؛ و ضرایب واکنش سود را افزایش دهد (سانگ و همکاران، ۲۰۱۱). نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نیز بیان داشته‌اند بین مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. به طور کلی انتظار است بین نفوذ دولت و روابط سیاسی (مدیریت سیاسی) و کیفیت سود رابطه منفی وجود داشته باشد.

۲-۴-۲- قرارداد بدهی و اهرم مالی شرکت

سهام باشد. دیچو و دیچف^{۱۷} (۲۰۰۲) سود را بر اساس ارتباط ارقام تعهدی با جریان‌های نقدی عملیاتی دوره گذشته، حال و آینده تعریف می‌کنند. در این صورت، کیفیت سود ناشی از کیفیت ارقام تعهدی خواهد بود. آن‌ها کیفیت سود را برای شرکت‌هایی که واریانس مجموع خطاهای آن‌ها با هم برابر است، یکسان می‌دانند. میخائیل و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۳) کیفیت سود را بر اساس میزان توانایی سودهای گذشته در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی تعریف نموده‌اند. شیپر و وینسنت^{۱۹} (۲۰۰۳) کیفیت سود را با مفهوم سودمندی برای تصمیم و سود اقتصادی مرتبط می‌دانند. بال و شیواکومار^{۲۰} (۲۰۰۵) مفهوم کیفیت سود را سودمندی صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و تمامی بخش‌های مرتبط با شرکت تعریف می‌کنند. بال و شیواکومار (۲۰۰۵) سود با کیفیت، سودی است که زبان‌ها به‌موقع در آن لحاظ شده باشد (شناسایی به‌موقع زبان).

۲-۴-۲- عوامل مؤثر بر کیفیت سود

چندین سوال پژوهشی در خصوص عوامل مؤثر بر کیفیت سود وجود دارد. البته شناخت دقیق این عوامل نیز نیاز به ادامه تحقیقات در این حوزه را دارد، اما عواملی همچون مقررات (به‌خصوص استانداردهای حسابداری)، سیستم‌های انگیزشی (قرارداد جبران خدمت مدیران) و شرایط اقتصادی شناخته شده‌اند که در ادامه به برخی از عوامل مؤثر بر کیفیت سود پرداخته می‌شود.

۲-۴-۲-۱- نفوذ دولت و روابط سیاسی (مدیریت سیاسی)
ال‌داحمری و کواسماعیل (۲۰۱۵) استدلال می‌کنند که سیاست‌گذاران می‌بایست رویکردی تشویقی و یا اجباری در مورد افشای اطلاعات در رابطه با روابطشان با دولت، احزاب سیاسی و یا سیاستمداران داشته باشند؛ به‌طوری‌که سرمایه‌گذاران و تمام اشخاص ذینفع بتوانند اطلاعات بهتری را ارزیابی کنند؛ و «کیفیت سود شرکت‌ها» نمونه‌ای از آن می‌باشد. امروزه مدیریت سود پدیده‌ای فراگیر در گزارشگری مالی شرکت‌ها است. در مدیریت سود، مدیران از اختیاراتشان در گزارشگری مالی و ساختار معاملات استفاده می‌کنند؛ در نتیجه، اغلب سود گزارش شده از

رابطه بین تأمین مالی بدهی شرکت‌ها و کیفیت سود می‌تواند مثبت و منفی باشد (قمر و همکاران^{۲۵}، ۲۰۱۵). در شرکت‌های بزرگ، مدیران انگیزه دارند که برای سهامداران و اوراق قرضه‌داران خود، جمع‌آوری ثروت کنند (جنسن و مک‌لینگ^{۲۶}، ۱۹۷۶). از این‌رو سهامداران اصلی (عمده) به علت هزینه‌های بالای نظارت و منافع کم، حاصل از آن، نظارت بر فعالیت‌های مدیران را کاهش دهند؛ درحالی‌که دارندگان اوراق بدهی می‌خواهند بر اقدامات مدیریت نظارت داشته باشند. لذا شرکت‌ها اطلاعات با کیفیت بالای را برای وام‌دهندگان و ... تهیه خواهند کرد (دیاموند^{۲۷}، ۱۹۹۱). پایین بودن میزان بدهی‌ها، با قراردادهای بدهی، در ارتباط است؛ بنابراین، مدیران مخالفتی با ارائه درست و با کیفیت اطلاعات، در مورد عملکردشان ندارند؛ و با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (ریچاردسون، ۲۰۰۰) وام‌دهندگان، میزان بالای از بدهی با هزینه‌های پایین را به شرکت‌ها ارائه می‌نمایند. پس می‌توان بیان داشت رابطه مثبت بین تأمین مالی بدهی و کیفیت سود وجود دارد.

از سوی دیگر تأمین مالی بدهی می‌تواند رابطه منفی با کیفیت سود داشته باشد و دلیل آن تضاد نمایندگی بین مالکان بدهی و مدیران است. بر اساس فرضیه بدهی تئوری اثباتی، نسبت بالای بدهی به سرمایه در شرکت‌ها به احتمال زیاد موجب خواهد شد تا مدیران از روش‌های حسابداری برای افزایش سود استفاده کنند. به بیانی اگر شرکتی با وام‌دهندگان برای دریافت وام وارد مذاکره شوند و اگر این مذاکره منجر به تنظیم قراردادهای بدهی مبتنی بر ارقام حسابداری گردد، در آن صورت مدیران این انگیزه را دارند تا از روش‌های حسابداری اقتباس کنند که اثرات بالقوه الزامات قراردادهای بدهی را کم کند، مانند استفاده از روش‌های حسابداری که سود و دارایی‌ها را افزایش دهد (ریاحی‌بلکویی^{۲۸}، ۲۰۰۴). دارندگان اوراق بدهی از قراردادهای بدهی جهت کاهش مالکیت مدیریتی استفاده می‌کنند (واتز و زیمرمن^{۲۹}، ۱۹۸۶). قرارداد بدهی از وام‌دهندگان با محدود کردن فعالیت‌های وام‌گیرندگان (با دادن ضمانت، فسخ قرارداد، افزایش نرخ بهره و ...) از آن‌ها محافظت می‌کند (دیچو و اسکنیر^{۳۰}، ۲۰۰۲؛ گوپالاکریشان و پارکاش^{۳۱}، ۱۹۹۵). چراکه ممکن است مدیران برای

دریافت میزان بالای از بدهی به دستکاری سود بپردازند. دیچو و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند که اهرم مالی بالا موجب افزایش مدیریت سود و به طبع آن کاهش کیفیت سود می‌گردد. پس می‌توان بیان داشت رابطه منفی بین تأمین مالی بدهی و کیفیت سود وجود دارد. شرکت‌ها می‌توانند از طریق روابط سیاسی خود به منابع مختلف تأمین مالی دست یابند؛ همچنین آن‌ها جهت نداشتن فشار خارجی از طرف بازار، کمتر نیاز به پاسخگویی دارند و در نتیجه افشای اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تری خواهد داشت. متون حسابداری نشان می‌دهد که مزیت روابط سیاسی در کشورهایی کمتر توسعه‌یافته و دارای سطوح بالاتر فساد بیشتر خواهد بود (فاسیو، ۲۰۰۶). لئوز و اوپرهولزر-جی (۲۰۰۶) نشان می‌دهد، شرکت‌های که قبلاً دارای روابط بودند، زمانی که روابط سیاسی خود را از دست می‌دهند و از قدرت برکنار می‌شوند با مشکلات مالی مواجه خواهند بود. همچنین مطالعات پیشین نشان می‌دهد، شرکت‌های که دارای مزیت روابط سیاسی قابل‌توجهی هستند، می‌توانند به ترجیحات تأمین مالی، اعطای قراردادهای دولتی و کمک مالی دولت در زمان بحران دسترسی داشته باشند (بلاو و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۳). به طور کلی انتظار است بین اهرم مالی و کیفیت سود رابطه مثبت (بارتف و همکاران^{۳۳}، ۲۰۰۰) یا منفی وجود داشته باشد (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵).

۲-۴-۳- فرصت‌های رشد و عملکرد شرکت

ارزش یک شرکت، تابع سودآوری سرمایه‌گذاری‌های آن است؛ از این‌رو، مدیران با هدف حداکثر نمودن ثروت سهامداران، باید با شناخت عوامل مؤثر بر سطح سرمایه‌گذاری، بین انتظارات سهامداران و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مطلوب شرکت، تعامل برقرار نمایند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست ندهند و هم رضایت سهامداران را جلب کنند (فازاری^{۳۴}، ۲۰۰۰). سرمایه، منابع لازم جهت تأمین مالی پروژه‌های با ارزش فعلی خالص مثبت را برای شرکت فراهم می‌کنند. هنگامی‌که فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری محدود باشد، مدیران به سرمایه‌گذاری‌هایی دست می‌زنند که دارای

معکوس دارد (چن و همکاران^{۴۳}، ۲۰۱۱؛ سواستیکا^{۴۴}، ۲۰۱۳) و این موجب افزایش کیفیت سود خواهد شد. به طور کلی این انتظار وجود دارد بین اندازه شرکت و کیفیت سود رابطه مثبت وجود داشته باشد (پارک و شین^{۴۵}، ۲۰۰۴؛ بن‌نصرا و همکاران، ۲۰۱۵).

۲-۴-۵- هزینه‌های نمایندگی

اگرچه سری از مطالعات دانشگاهی، مدیریت سود را به علت افزایش ارزش اطلاعاتی سود، سودمند می‌دانند، اما به‌طورکلی این باور عمومی وجود دارد که مدیران، ممکن است به‌منظور افزایش منافع شخصی خود مبادرت به مدیریت سود نمایند که در این صورت مدیریت سود ممکن است برای سهامداران و سایر ذینفعان سودمند نباشد. در این راستا، برخی از پژوهشگران از تئوری نمایندگی به‌عنوان ابزاری جهت تفکیک مدیریت سود فرصت‌طلبانه از مدیریت سود کارا استفاده کرده‌اند. در صورتی‌که مدیریت سود با اهداف فرصت‌طلبانه توسط مدیران انجام شود، در آن صورت شرکت‌های که هزینه‌های نمایندگی بیشتری دارند، مدیریت سود بالایی را نشان خواهند داد. به‌عبارتی‌دیگر، میزان مدیریت سود با شدت تضاد نمایندگی رابطه مثبتی دارد. به بیانی، شرکت‌های با کیفیت سود بالاتر دارای هزینه نمایندگی پایین‌تری می‌باشد و این رابطه معکوس می‌باشد (بوشمن و اسمیت^{۴۶}، ۲۰۰۱؛ خوانگ و همکاران^{۴۷}، ۲۰۱۰؛ نمازی و رضایی، ۲۰۱۶). به طور کلی انتظار است بین هزینه نمایندگی و کیفیت سود رابطه منفی وجود داشته باشد. آنگ و همکاران^{۴۸} (۲۰۰۰) نسبت هزینه‌های عملیاتی به جمع فروش خالص را به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری هزینه نمایندگی معرفی کرده‌اند و هرچه این نسبت پایین باشد هزینه نمایندگی کمتر خواهد بود.

۲-۴-۶- مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود

تئوری نمایندگی به این موضوع اشاره دارد که بخشی از عملیات شرکت‌ها به روابط نمایندگی بین سهامداران و مدیران مربوط می‌شود. در واقع جدایی مالکیت سهام و کنترل مدیریت بر عملیات شرکت می‌تواند به تضاد منافع منجر شود و هزینه‌های نمایندگی ناشی از این تضاد منافع

خطرپذیری بیشتر و بازده متفاوتی نسبت به جریان عملیات فعلی شرکت است. در چنین موقعیتی سود شرکت دستخوش نوسان می‌شود و مدیر برای مهارکردن نوسان‌های ناشی از سرمایه‌گذاری پر خطر به هموارسازی و مدیریت سود اقدام خواهد کرد (جلینک^{۴۵}، ۲۰۰۷). فایرفیلد و همکاران^{۴۶} (۲۰۰۳) معتقدند که شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد بالا اغلب الگوهای رشد پایدار را نشان می‌دهند. آن‌ها بیان می‌کنند که ROA همبستگی مثبت بالای را با جریان‌های نقدی عملیاتی نسبت به اقلام تعهدی دارد. چان^{۴۷} و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که بین کیفیت سود و عملکرد آتی آن‌ها ارتباط مثبتی وجود دارد؛ همچنین هانگ و همکاران^{۴۸} (۲۰۰۹) ادعا می‌کنند که عملکرد شرکت‌ها با کم شدن کیفیت سودهایشان، کاهش می‌یابد. به طور کلی انتظار است بین فرصت‌های رشد و سودآوری شرکت‌ها با کیفیت سود رابطه مثبت وجود داشته باشد (بن‌نصرا و همکاران^{۴۹}، ۲۰۱۵).

۲-۴-۴- اندازه شرکت و هزینه سیاسی

فرضیه هزینه‌های سیاسی مدیریت سود، یکی از سه فرضیه اساسی تئوری اثباتی حسابداری می‌باشد که در بلندمدت یکی از مسائل مهم در تحقیقات حسابداری اثباتی می‌باشد. فرضیه هزینه سیاسی پیش‌بینی می‌کند که به‌احتمال زیاد شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک از رویه‌های حسابداری استفاده می‌کنند که سود را کمتر نشان دهند (اسکات^{۴۰}، ۲۰۰۳). اندازه و بزرگی شرکت شاخصی برای توجه و مدنظر بودن سیاسی است. بر این اساس هرچه اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر باشد، مدیران آن شرکت‌ها تمایل دارند سود گزارش‌شده را از دوره‌های جاری به دوره‌های آتی انتقال دهند تا هزینه‌های سیاسی را که به علت قرار گرفتن شرکت در دید سیاسی، بر آن‌ها تحمیل می‌شود، کاهش دهند (بارتون و سیمکو^{۴۱}، ۲۰۰۲). به بیانی فرآیند سیاسی باعث می‌شود، شرکت‌هایی که حساسیت سیاسی دارند، روش‌هایی را انتخاب کنند که سود را به تعویق اندازد؛ لذا شرکت‌های بزرگ‌تر تمایل کم‌تری برای دستکاری سود دارند (کیم و همکاران^{۴۲}، ۲۰۰۳)؛ لذا می‌توان بیان داشت اندازه شرکت و هزینه سیاسی با مدیریت سود رابطه

شرایط اقتصادی خوب و مناسب، مدیران انگیزه کمتری را جهت «مدیریت سودها» داشته باشند. به عبارت دیگر، کاهش رشد اقتصادی موجب کاهش کیفیت سود خواهد شد (سی زاجور^{۵۲} و همکاران، ۲۰۱۳). بر این اساس می‌توان بیان داشت سود حسابداری همیشه نمی‌تواند معیار خوبی برای تصمیمات سرمایه‌گذاران باشد و برخی مواقع توسط مدیریت دستکاری می‌شود. تحلیلگران مالی در ارزیابی خود نه تنها به کمیت سود بلکه باید به کیفیت آن نیز توجه کنند. منظور از کیفیت سود زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است (نمازی و رضایی، ۱۳۹۱). طبق نظریه هاکینز یکی از عواملی که کیفیت سود شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آثار محیط اقتصادی مانند نرخ ارز، نرخ بهره بانکی، نرخ تورم و ... است (نمازی و رضایی، ۱۳۹۱). نتایج تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که در سال‌های که نرخ رشد بالا بر اساس تولید ناخالص داخلی وجود داشت، کیفیت سود نیز بالا ارزیابی شده است. به بیانی سود منعکس‌کننده عملکرد بسیار خوب اقتصادی شرکت‌ها، به شدت با وضعیت کلی اقتصادی در ارتباط است (سی زاجور و همکاران، ۲۰۱۳). بر این اساس می‌توان انتظار داشت بین شاخص GDP و کیفیت سود رابطه مثبت وجود داشته باشد و نیز این انتظار وجود دارد که بین نرخ ارز، نرخ بهره بانکی و نرخ تورم با کیفیت سود رابطه منفی وجود داشته باشد.

۳- فرضیه و مدل پژوهش

در تحقیق حاضر ابتدا مدل‌های جونز (۱۹۹۱)، جونز تعدیل‌شده (۱۹۹۵)، کازنیک (۱۹۹۹)، کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲)، مک نیکولز (۲۰۰۲) و دی‌جورج و همکاران (۲۰۱۳) مورد آزمون قرار می‌گیرد و سپس با استفاده از معیارهای مقایسه مدل‌های رگرسیون [معیار آکائیک؛ معیار ضریب تعیین تعدیل‌شده (R^2_{ADJ}); معیار آماره (F) رگرسیون و معیار آماره دوربین واتسون ($D-W$)] از بین مدل‌های فوق‌الذکر مدلی که دارای بیشترین قدرت کشف باشد انتخاب می‌شود و سپس از آن مدل در آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر «وجود سهام عدالت در ساختار مالکیت شرکت، کیفیت سود را کاهش می‌دهد»، مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین مدل اصلی

بین مدیران و سهامداران بوجود آید. بدون این مسئله نمایندگی، کیفیت گزارشگری هیچ مسئله خاصی نخواهد داشت چون مدیران هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای تحریف گزارش‌های مالی یا مخفی نگهداشتن اطلاعات ندارند. حاکمیت شرکتی یکی از سازوکارهای کاهش مسئله نمایندگی است. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را کاهش و در نتیجه کیفیت سود را افزایش دهد (نیکومرام و محمدزاده‌سالطه، ۱۳۸۹). تأثیر ساختارهای بهینه حاکمیت شرکتی بر افزایش کیفیت گزارشگری مالی و سود حسابداری، موضوعی است که در سال‌های اخیر در تدوین قوانین و شرایط پذیرش بورس‌های بزرگ دنیا (مانند بورس نیویورک) نیز مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، تدوین‌کنندگان قوانین هم فرض وجود یک رابطه مستقیم بین کیفیت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود را به صورت تلویحی پذیرفته‌اند (مشایخی و محمدآبادی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش پیشین نشان‌دهنده این است که بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود رابطه مثبت وجود دارد (ژای و همکاران^{۴۹}، ۲۰۰۳؛ جی‌آنگ و همکاران^{۵۰}، ۲۰۰۸؛ اقبال و استرانگ^{۵۱}، ۲۰۱۰).

۲-۴-۷- متغیرهای کلان اقتصادی و کیفیت سود

یکی از اجزای مهم بازارهای مالی، بورس اوراق بهادار است که نقش قابل توجهی در رونق یا رکود اقتصادی کشورها داشته است. هرگونه رکود یا رونق در این بازار با تغییرات قابل ملاحظه‌ای در متغیرها، سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی در دو مقیاس مالی و بین‌المللی همراه بوده است. کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از درجه بالایی از بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی برخوردار هستند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین، باید توجه داشت که بازارهای مالی نسبت به اعلام رخدادهای کلان اقتصادی در سایر بازارها نظیر تغییرات قیمت طلا در بازار کالا، نرخ‌های بهره و سود اوراق مشارکت یا تغییرات نرخ تورم به‌عنوان متغیر پولی و اقتصادی با اهمیت، حساس هستند (نمازی و رضایی، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی به‌عنوان عاملی با اهمیت، نتایج مالی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. همچنین فرض می‌شود تحت

پژوهش به شرح زیر است:

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 DJUSTICE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 STDROA_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 EX/S_{it} + \beta_7 Non-Ex_{it} + \beta_8 DUAL_{it} + \beta_9 LNXRA_{it} + \beta_{10} INFL_{it} + \beta_{11} BIRA_{it} + \beta_{12} LNGDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته:

در پژوهش حاضر کیفیت سود (EQ) متغیر وابسته می‌باشد؛ و براساس سال-صنعت تحلیل و پس از آن قدرمطلق خطاها محاسبه شد. سپس قدرمطلق خطاها در ۱- ضرب شد و جهت آزمون فرضیه مورد استفاده قرار گرفت (هوپ^{۵۳} و همکاران، ۲۰۱۳).

متغیر مستقل:

در این تحقیق، سهام عدالت DJUSTICE به‌عنوان متغیر مستقل می‌باشد. این متغیر، یک متغیر ساختگی است. اگر در ساختار مالکیت شرکت، سهامداران سهام عدالت وجود داشته باشند برابر یک و در غیر این صورت صفر است.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (SIZE) از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت حاصل می‌گردد (بن‌نصرا و همکاران، ۲۰۱۵). اهرم مالی (LEV) از نسبت کل بدهی‌های شرکت بر کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید (بن‌نصرا و همکاران، ۲۰۱۵). نوسان بازده دارایی (STDROA) از انحراف معیار تقسیم سود خالص بر کل دارایی شرکت

حاصل می‌شود (بن‌نصرا و همکاران، ۲۰۱۵). نسبت هزینه عملیاتی بر فروش خالص (EX/S) را نشان می‌دهد (بن‌نصرا و همکاران، ۲۰۱۵). فرصت رشد (GROWTH) که از تفاوت دارایی سال جاری و دارایی سال قبل تقسیم بر کل دارایی‌های قبل شرکت حاصل می‌شود که شرکت‌های بالای میانه شرکت‌های دارای فرصت رشد بوده و عدد یک را اختیار کرده و سایر شرکت‌ها عدد صفر را می‌گیرند (بوبرکا^{۵۴} و همکاران، ۲۰۱۵). درصد اعضای غیرموظف (Non-Ex) از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف بر کل اعضای هیات‌مدیره حاصل می‌شود (مشایخی و محمدآبادی، ۱۳۹۰). دوگانگی مسئولیت‌ها (DUAL) اگر رئیس هیات‌مدیره، مدیرعامل هم باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت، مقدار آن صفر منظور می‌شود (مشایخی و محمدآبادی، ۱۳۹۰). نرخ تورم (INFL) (نمازی و رضایی، ۱۳۹۱) و شاخص LNGDP (لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی) (بن‌نصرا و همکاران، ۲۰۱۵) را نشان می‌دهد. همچنین لگاریتم طبیعی نرخ ارز (LNEXRA) و نرخ بهره بانکی (BIRA) نشان داده شده است.

۴- جامعه آماری مورد مطالعه

جامعه آماری در دسترس این پژوهش شامل شرکت‌های منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای شرایط زیر به روش حذف سیستماتیک و در بازه زمانی ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۶ (۶ ساله) باشند:

جدول ۱ تعداد مشاهدات مورد مطالعه در پژوهش

ردیف	شرح	تعداد مشاهدات
۱	نمونه‌های انتخاب شده قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.	۲۶۲۸
۲	به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه دوره مالی آن منتهی به اسفند ماه باشد.	(۷۶۲)
۳	طی سال‌های مورد مطالعه تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد.	(۲۲۸)
۴	وقفه بیشتر از سه ماه در معاملات آن‌ها رخ نداده باشد	(۲۰۵)
۵	حقوق صاحبان سهام این شرکت‌ها منفی نباشد	(۱۱۳)
۶	تعداد شرکت‌هایی که به امور هلدینگ، سرمایه‌گذاری، صندوق سرمایه‌گذاری و ... اشتغال دارند	(۵۲۸)
	جمع کسور	(۱۸۴۸)
	تعداد مشاهدات نهایی مورد مطالعه سال - شرکت	۷۸۰

۵- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

۵-۱ بررسی قدرت کشف مدل‌های کیفیت سود

همانطور که پیشتر بیان شد در پژوهش حاضر ابتدا قدرت کشف مدل‌های جونز (۱۹۹۱)، جونز تعدیل شده (۱۹۹۵)،

مدل کازنیک (۱۹۹۹)، مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، مدل دی جورج و همکاران (۲۰۱۳) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ بیان شده است. مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲)، مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) و

جدول ۲ بررسی قدرت کشف مدل های کیفیت سود

مدل	آکائیک	R^2_{Adj}	D-W	آماره F
کوتاری و همکاران ۲۰۰۵	-۱,۳۴۳۹۷۶	۰,۵۵۴۰۵۸	۲,۰۶۰۳۲۷	۳۵۰,۸۷۲۲
مک نیکولز ۲۰۰۲	-۱,۰۵۶۲۲۱	۰,۴۰۶۲۰۶	۲,۰۸۲۰۶۶	۱۳۸,۵۹۹۱
دی جورج و همکاران ۲۰۱۳	-۱,۰۳۶۱۵۵	۰,۳۹۴۱۷۱	۲,۰۲۱۴۶۹	۱۳۱,۸۶۹۷
کازنیک ۱۹۹۹	-۱,۰۳۵۷۶۳	۰,۳۹۳۰۷۷	۲,۰۱۴۴۳۹	۱۸۳,۳۷۹۹
دیچو و دیچف ۲۰۰۲	-۱,۰۳۱۵۵۲	۰,۳۹۰۵۱۶	۲,۰۳۲۶۹۴	۱۸۱,۴۳۰۱
جونز تعدیل شده ۱۹۹۵	-۰,۸۹۴۶۲۱	۰,۳۰۰۵۸۰	۲,۰۷۲۴۳۴	۱۵۲,۲۷۴۲
جونز ۱۹۹۱	-۰,۸۸۹۷۳۷	۰,۲۹۷۱۵۶	۲,۰۷۷۸۶۴	۱۴۹,۸۲۲۳

کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) جهت محاسبه متغیر کیفیت سود و آزمون فرضیه پژوهش استفاده می شود.

۵-۲- نتایج آمار توصیفی و همبستگی

ابتدا نتایج آمار توصیفی و همبستگی بین داده ها مرتبط با فرضیه پژوهش در جدول ۳ و ۴ بیان شده است:

نتایج حاصل از جدول ۲ نشان می دهد براساس معیارهای چهارگانه [معیار آکائیک؛ معیار ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{ADJ})؛ معیار آماره (F) رگرسیون و معیار آماره دوربین واتسون (D-W)]، مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) بین سایر مدل ها دارای قدرت کشف بالاتری نسبت به سایر مدل ها می باشد. لذا در ادامه از مدل

جدول ۳ نتایج آمار توصیفی

BIRA	LN-EXRA	INFL	SIZE	STDROA	EQ	
۰,۱۶۹۱	۹,۸۲۱۳	۰,۲۰۹۰۸۶۵	۱۳,۹۸۹۱	۰,۱۷۹۶	-۰,۵۵۴۳	میانگین
۰,۱۷	۹,۸۴۱۷	۱۸,۵۱۲۶۲	۱۳,۶۸۸۱	۰,۱۳۱۷	-۰,۵۵۵۳	میانه
۰,۲۲	۱۰,۳۹۸۲	۳۴,۷۷۳۹۵	۱۸,۸۵۰۷	۰,۹۹۴۲	-۰,۹۵۳۱	حداکثر
۰,۱۴	۹,۲۰۸۴	۱۰,۷۳۸۰۵	۱۰,۱۰۳۸	۰,۰۰۸۷	-۰,۱۵۷۶	حداقل
۰,۰۲۵۹۰	۰,۵۰۴۷	۹,۰۳۴۱۲۰	۱,۶۰۹۶۴	۰,۱۴۶۴	۰,۱۱۸۰	انحراف معیار
Non-Ex	LN-GDP	SMOO	LEV	EX/S		
۰,۶۴۵۶۴۱	۱۵,۶۱۰۹۴	-۴,۱۶۷۴۵۷	۰,۶۳۳۰۵۹	۰,۰۲۸۵۱۷		میانگین
۰,۶۰	۱۵,۶۰۰۱۴	-۲,۲۸۶۸۱۱	۰,۶۵۴۱۳۴	۰,۰۱۰۶۲۹		میانه
۰,۸۰	۱۵,۶۶۶۲۳	-۰,۰۰۸۱۳۴	۰,۹۰۸۸۷۸	۰,۲۸۷۷۱۷		حداکثر
۰,۲۰	۱۵,۵۸۰۳۸	-۷۳,۳۵۹۲۹	۰,۱۰۴۵۲۰	۰,۰۰۱۰۰۹		حداقل
۰,۱۵۰۲۰۴	۰,۰۳۱۷۹۰	۵,۹۵۱۹۲۹	۰,۱۹۱۲۲۵	۰,۰۴۷۰۲۳		انحراف معیار

ادامه جدول ۳ فراوانی متغیرهای ساختگی

DUAL	تعداد مشاهدات	DUJ	تعداد مشاهدات	GROWTH	تعداد مشاهدات
۰	۶۷۶	۰	۶۸۴	۰	۳۹۳
۱	۱۰۴	۱	۹۶	۱	۳۸۷
جمع	۷۸۰	جمع	۷۸۰	جمع	۷۸۰

غیرموظف می‌باشند. متوسط نرخ بهره بانکی و نرخ تورم برابر با ۱۷ درصد و ۲۱ درصد است. در این بین ۱۶ شرکت، جز شرکت‌های هستند که سهام عدالت در ساختار مالکیت‌شان وجود دارد و ۱۱۴ شرکت جز سایر شرکت‌های می‌باشند. به بیانی ۹۶ از کل ۷۸۰ مشاهده را شرکت‌ها تشکیل داده است که در ساختار مالکیت خود سهام عدالت دارند. همچنین ۱۰۴ مشاهده در کل ۷۸۰ مشاهده دارای دوگانگی وظیفه مدیرعامل بوده و ۳۸۷ مشاهده نیز فرصت رشد را در شرکت‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است تعداد شرکت‌های مورد آزمون ۱۳۰ شرکت در بازه ۶ ساله می‌باشد. براین اساس تعداد مشاهدات ۷۸۰ سال-شرکت گردید. براساس آزمون آمار توصیفی می‌توان بیان داشت که حدود ۴۹/۶ درصد شرکت‌ها در بازه زمانی پژوهش دارای رشد دارایی بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد (قدرمطلق) میانگین معیار کیفیت سود ۵۵ درصد و هموارسازی سود حدود ۴ برابر است. ریسک سودآوری شرکت‌ها معادل ۱۷/۹ درصد است. ۶۳ درصد دارایی‌های شرکت از محل بدهی‌ها تأمین شده است. ۲/۸ درصد فروش شرکت‌ها صرف هزینه عملیاتی آنها می‌شود. همچنین ۶۴ درصد شرکت‌ها دارای مدیران

جدول ۴ نتایج آزمون همبستگی پیرسون

	EQ	DUJ	LEV	SIZE	STDROA	GRO	EX	DUAL	NONEX	BIRA	EXA	LNGDP	INFL
EQ	۱												
DUJ	۰,۱۵۶**	۱											
LEV	۰,۱۲۳**	۰,۱۶۲**	۱										
SIZE	-۰,۰۰۲	۰,۵۸۶**	۰,۰۷۷**	۱									
STDROA	۰,۱۲۳**	۰,۱۲۴**	۰,۲۲۹**	۰,۰۶۳-	۱								
GRO	۰,۰۸۰*	۰,۰۸۴*	۰,۰۲۶-	۰,۱۵۵**	۰,۰۳۵-	۱							
EX	-۰,۰۱۵	۰,۰۸۹*	۰,۱۴۵**	۰,۰۰۶	۰,۱۸۵**	۰,۱۰۴**	۱						
DUAL	۰,۰۵۵	۰,۰۸۱*	۰,۱۲۲**	۰,۰۸۹*	۰,۰۴۶-	۰,۰۴۸	۰,۱۱۲**	۱					
NONEX	۰,۰۸۱*	۰,۱۴۹**	۰,۰۹۷**	۰,۰۵۰	۰,۰۲۷	۰,۰۲۶	۰,۰۱۵	۰,۱۰۹**	۱				
BIRA	۰,۰۵۷	۰,۰۰۴-	۰,۰۲۹-	۰,۱۳۵**	۰,۰۱۰	۰,۱۳۴**	۰,۰۵۵	۰,۰۴۶	۰,۰۳۵	۱			
EXA	۰,۰۲۵	۰,۰۰۵-	۰,۰۳۳-	۰,۱۴۸**	۰,۰۲۱	۰,۱۳۸**	۰,۰۵۶	۰,۰۵۰	۰,۰۶۴	۰,۷۷۵**	۱		
LNGDP	۰,۰۳۶	۰,۰۰۴-	۰,۰۳۳	۰,۰۲۷-	۰,۰۰۸-	۰,۰۲۶-	۰,۰۴۸-	۰,۰۰۳-	۰,۰۲۱-	۰,۰۳۶	۰,۳۵۶**	۱	
INFL	۰,۰۱۳	۰,۰۰۴-	۰,۰۰۱-	۰,۰۸۰*	۰,۰۱۹	۰,۰۷۴*	۰,۰۰۶	۰,۰۳۶	۰,۰۵۳	۰,۱۷۱**	۰,۶۷۹**	۰,۳۰۳**	۱
	۰,۷۱۱	۰,۹۰۳	۰,۹۷۷	۰,۰۲۵	۰,۵۹۴	۰,۰۳۹	۰,۸۷۷	۰,۳۰۹	۰,۱۴۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

** همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱ (دو دامنه)

* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵ (دو دامنه)

می‌بایست مورد آزمون قرار گیرند؛ و نیز عدم وجود خودهمبستگی بین خطاها هم مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که وجود سهام عدالت در ساختار مالکیت بر کیفیت سود رابطه منفی دارد. نتایج پژوهش مطابق با چانی و همکاران (۲۰۱۱)، نارایاناسومی^{۵۵} (۲۰۱۳)، بن‌نصرا و همکاران (۲۰۱۵) و لیو^{۵۶} (۲۰۱۷) و مخالف نتیجه‌ی هی^{۵۷} (۲۰۱۶) است؛ چراکه وی معتقد است بیش‌تر شرکت‌های که توسط دولت و نهادهای وابسته به آن کنترل و حمایت می‌شوند، به بیانی دولت در بازار سهام مداخله داشته و آن را تحت سلطه خود دارد و با این احساس امنیت، شرکت مدیریت سود کمتری را انجام می‌دهد، لذا کیفیت سود بالاتری را شاهد خواهند بود. یافته تحقیق حاضر با نظریه اقتصاد سیاسی و فرضیه هزینه‌های سیاسی مطابقت دارد. طبق این نظریه هرگاه شرکت‌ها از نظر سیاسی در کانون توجه باشند، ارقام سود را مدیریت می‌نمایند. از این‌رو به استفاده‌کنندگان

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول شماره ۴ و در سطح معناداری ۰/۰۱ نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته کیفیت سود و متغیرهای وجود سهام عدالت در ساختار مالکیت، سودآوری، اهرم مالی همبستگی وجود دارد. همچنین در سطح معناداری ۰/۰۵ بین متغیر وابسته کیفیت سود و رشد شرکت و دوگانگی مسئولیت‌ها همبستگی وجود دارد.

۳-۵ نتایج آزمون مدل و فرضیه پژوهش

نتایج آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر وجود سهام عدالت در ساختار مالکیت شرکت، کیفیت سود را کاهش می‌دهد، در جدول ۵ بدین شرح است:

پس از آزمون مفروضات پیش فرض رگرسیون و اطمینان از برقراری آن‌ها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در جدول شماره ۵ ارائه شده است. نتایج آزمون چاو نشان داد داده‌ها ترکیبی به روش اثرات ثابت

جدول ۵ نتایج آزمون فرضیه پژوهش*

نماد	علامت پیش‌بینی	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری
Constant		۲,۴۳۹	۲,۷۶۴	۰,۸۸۲	۰,۳۷۷۸
DJUSTICE	-	-۰,۰۶۹	۰,۰۲۲	-۳,۰۳۲	۰,۰۰۲۵
LEV	؟	۰,۰۵۶	۰,۰۲۶	۲,۱۷۷	۰,۰۲۹۷
GROWTH	+	۰,۰۱۵	۰,۰۰۸	۱,۸۸۵	۰,۰۵۹۷
SIZE	+	۰,۰۰۸	۰,۰۰۴	۱,۹۶۲	۰,۰۵۴۷
STDROA	+	۰,۰۷۸	۰,۰۳۳	۲,۳۲۵	۰,۰۲۰۳
EX/S	-	-۰,۰۱۱	۰,۰۹۶	-۰,۱۱۶	۰,۹۰۷۲
Non-Ex	+	-۰,۰۳۸	۰,۰۳۵	-۱,۱۰۰	۰,۲۷۱۳
DUAL	+	۰,۰۲۰	۰,۰۱۶	۱,۲۸۰	۰,۲۰۰۹
LNGDP	+	-۰,۱۵۳	۰,۱۷۶	-۰,۸۶۵	۰,۳۸۶۸
INFL	-	۰,۲۱۴	۰,۱۰۴۴	۲,۰۴۹	۰,۰۴۰۸
BIRA	-	۱,۱۹۴	۰,۴۹۶	۲,۴۰۴	۰,۰۱۶۴
LNEXRA	-	-۰,۰۷۷	۰,۰۳۵	-۲,۲۰۷	۰,۰۲۷۶
آماره-DW	۲,۱۷۰۹	آماره-F	۳,۰۲۷۸	R ²	۰,۴۰۰۸
		احتمال آماره-F	۰,۰۰۰۰	R ² _{ADJ}	۰,۲۶۸۴
نتایج آزمون چاو					
		سطح معناداری	درجه آزادی	آماره-F	
		۰,۰۰۰۰	(۱۲۹,۶۳۸)	۲,۷۰۰۵	

*براساس مبانی اقتصادسنجی هنگامی که از متغیرهای کلان اقتصادی در پژوهشی استفاده شود می‌بایست از اثرات ثابت برای آزمون فرضیه استفاده شود.

۴-۵ آزمون‌های اضافی

۴-۵-۱ نتایج آزمون مدل و فرضیه پژوهش با استفاده از

متغیر وابسته جایگزین کیفیت سود

جهت بررسی مجدد نتایج فرضیه از متغیرهای دیگری همچون هموارسازی سود به‌عنوان معیاری از کیفیت سود استفاده شده است. براساس معیار هموارسازی سود، سودی با کیفیت است که به وجه نقد نزدیک‌تر بوده و دارای قابلیت استمرار باشد. در این مبنا اعتقاد بر این است که ارقام تعهدی، کیفیت سود را کاهش می‌دهد.

$$SMOO_{it} = \beta_0 + \beta_1 DJUSTICE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 STDROA_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 EX/S_{it} + \beta_7 Non-Ex_{it} + \beta_8 DUAL_{it} + \beta_9 LNEXRA_{it} + \beta_{10} INFL_{it} + \beta_{11} BIRA_{it} + \beta_{12} LNGDP_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای محاسبه هموارسازی سود (SMOO) از نسبت انحراف معیار سود عملیاتی بر انحراف معیار جریان نقد عملیاتی حاصل می‌گردد؛ و در نهایت در عدد ۱- ضرب شده است. هرچه نسبت حاصله بیشتر و بزرگ‌تر باشد، کیفیت سود بالاتر خواهد بود و بالعکس. نتایج این آزمون‌های تحلیل حساسیت در جدول شماره ۶ بیان شده است:

صورت‌های مالی پیشنهاد می‌شود تا در اقتصاد سیاست‌زده کشور در ارزیابی کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به سطح سیاست‌زدگی و وابستگی سیاسی شرکت‌ها توجه داشته باشند و آن را به‌عنوان یک متغیر در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند.

نتایج نشان می‌دهد بین اهرم مالی، سودآوری و اندازه شرکت رابطه مثبت معناداری وجود دارد که نتایج پژوهش مطابق نتیجه پژوهش بن‌نصرا و همکاران (۲۰۱۵) است. همچنین نرخ بهره بانکی، نرخ ارز و نرخ تورم با کیفیت سود رابطه معناداری دارد که نتایج مخالف، نتیجه پژوهش نمازی و رضایی (۱۳۹۱) است. نسبت هزینه عملیاتی به فروش و فرصت رشد [مخالف نتیجه پژوهش بوبکرا و همکاران (۲۰۱۵)]، درصد اعضای غیرموظف، دوگانگی مسؤولیت‌ها [مخالف نتیجه پژوهش مشایخی و محمدآبادی (۱۳۹۰)] و شاخص LNGDP [مخالف نتیجه پژوهش سی‌زاجور و همکاران (۲۰۱۳)] با کیفیت سود ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول ۶ نتایج آزمون تحلیل حساسیت فرضیه پژوهش با استفاده از متغیر وابسته جایگزین کیفیت سود

نماد	علامت پیش‌بینی	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	معناداری
Constant		-۱۵۰,۲۷۹	۱۴۲,۱۰۱	-۱,۰۵۷	۰,۲۹۰۶
DJUSTICE	-	-۴,۵۴۷	۱,۲۰۳	-۳,۷۷۹	۰,۰۰۰۲
LEV	?	-۳,۲۰۲	۱,۳۰۳	-۲,۴۵۷	۰,۰۱۴۲
GROWTH	+	۰,۷۹۲	۰,۴۰۲	۱,۹۶۶	۰,۰۴۹۶
SIZE	+	۰,۱۴۸	۰,۲۴۴	۰,۶۰۷	۰,۵۴۳۶
STDROA	+	۱,۴۷۳	۱,۶۷۸	۰,۸۷۷	۰,۳۸۰۳
EX/S	-	۱۴,۱۳۰	۴,۷۶۰	۲,۹۶۸	۰,۰۰۳۱
Non-Ex	+	-۰,۸۸۸	۱,۷۹۲	-۰,۴۹۵	۰,۶۲۰۲
DUAL	+	۰,۹۷۳	۰,۸۳۸	۱,۱۶۰	۰,۲۴۶۱
LNGDP	+	۸,۲۴۸	۸,۵۴۶	۰,۹۶۵	۰,۳۳۴۸
INFL	-	-۸,۶۵۰	۵,۰۵۲	-۱,۷۱۲	۰,۰۸۷۳
BIRA	-	-۳۷,۸۰۲	۲۴,۰۱۶	-۱,۵۷۴	۰,۱۱۵۹
LNEXRA	-	۰,۰۰۰۱۶	۰,۰۰۰۷۳۴	۲,۲۲۷	۰,۰۲۶۲
آماره-DW	۱,۷۸۴۳	آماره-F	۳,۶۸۹۸	R ²	۰,۴۴۹۱
		احتمال آماره-F	۰,۰۰۰۰	R ² _{ADJ}	۰,۳۲۷۴
نتایج آزمون چاو					
		سطح معناداری	درجه آزادی	آماره-F	
		۰,۰۰۰۰	(۱۲۹,۶۳۸)	۳,۲۸۴۲	

بهادار، نظام مالیاتی، فشار و روابط سیاسی و ... ایجاد خواهد شد (سجاتی^{۵۸}، ۲۰۰۹). در کشورهای در حال توسعه که نظام اقتصادی آنها به‌طور غالب مبتنی بر روابط است، مدیران و مالکان شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها تحت تأثیر نظام اقتصادی دولتی حاکم بر کشور هستند و بیش‌تر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران (همانند چین) توسط دولت و نهادهای وابسته به آن کنترل و حمایت می‌شود، به بیانی می‌توان بیان داشت دولت بر بازار سهام مداخله داشته و آن را تحت سلطه خود دارد. ادبیات موجود نشان می‌دهد روابط و فشارهای گروه‌های سیاسی ممکن است برای شرکت‌های خاص، سودمند باشد (فاسیو، ۲۰۱۰). شرکت‌های دارای روابط سیاسی، دارای اهرم مالی بالا، پرداخت مالیات پایین و قدرت بالای بازار هستند؛ و آنها دارای عملکرد حسابداری ضعیف‌تری نسبت به شرکت‌های هستند که دارای روابط سیاسی نیستند (فاسیو، ۲۰۱۰). هم‌چنین کیفیت سود گزارش‌شده توسط شرکت‌های دارای روابط سیاسی به‌طور قابل‌توجهی ضعیف‌تر از شرکت‌های است که دارای روابط سیاسی نمی‌باشد. این نشان می‌دهد که مدیران شرکت دارای روابط سیاسی کمتر به فشار بازار جهت افزایش کیفیت اطلاعات حساس هستند (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). لذا می‌توان بیان داشت نفوذ و روابط سیاسی دولت‌ها در شرکت‌ها می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی آنها را کاهش دهد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱)؛ و در کشورهای کمتر توسعه یافته روابط سیاسی بالا موجب افزایش سطح فساد خواهد شد (فاسیو، ۲۰۰۶)؛ و این واقعیتی است که فساد دارای اثر اقتصادی منفی بر رشد و سرمایه‌گذاری کشورها می‌باشد (فاسیو، ۲۰۱۰). نتایج نشان داد با بالا رفتن درصد مالکیت سهام عدالت در شرکت‌ها به علت وجود و نفوذ دولت بر شرکت‌ها، کیفیت سود این شرکت‌ها کاهش خواهد یافت علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در راستای خصوصی‌سازی، بسیاری از صنایع کماکان زیر نظر دولت هستند؛ و مدیران و مالکان شرکت‌ها به دلیل نظارت، نفوذ و اعمال کنترل‌های دولت بر سیاست‌های مالی و عملیاتی آنها تحت تأثیر نظام اقتصادی دولت قرار گرفته‌اند.

پس از آزمون مفروضات پیش فرض رگرسیون و اطمینان از برقراری آنها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق در جدول ۶ ارائه شده است. نتایج آزمون چاو و هاسمن نشان داد داده‌ها ترکیبی به روش اثرات تصادفی می‌بایست مورد آزمون قرار گیرند؛ و نیز عدم وجود خودهمبستگی بین خطاها هم مورد تأیید قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون مجدد فرضیه اصلی پژوهش با متغیر هموارسازی سود به‌عنوان متغیرهای جایگزین کیفیت سود، نشان می‌دهند که ارتباط بین متغیرهای اصلی پژوهش منفی است و این نتایج در راستای مبانی نظری می‌باشد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

سازمان‌ها برای ثبت معامله‌ها و تهیه صورت‌های مالی ناگزیرند از بین روش‌های گوناگون حسابداری یک یا چند روش را انتخاب نمایند. اصول پذیرفته‌شده حسابداری این روش‌ها را تعیین کرده است و روش منتخب نشان‌دهنده سیاست حسابداری شرکت‌ها می‌باشد. هم‌چنین بسیاری از سازمان‌ها تغییر در روش‌های حسابداری را به‌عنوان بخشی از سیاست‌های حسابداری خود مطرح می‌کنند. باور عموم بر این است که سازمان‌ها برای مخفی کردن نارسایی‌های عملکردی خود اقدام به تغییر در روش‌های حسابداری می‌نمایند (ریاحی‌بلکویی، الف ۲۰۰۰) که اثر این تغییر روش‌های حسابداری، در گزارش‌های مالی دیده خواهد شد و پیامدهای اقتصادی با خود به‌همراه دارد. مطالعات پیشین نشان داده است که اعداد گزارش‌شده حسابداری، به‌وسیله عوامل بازار و عوامل سیاسی (که بر انگیزه‌های گزارشگری مالی مدیران شرکت‌ها، حساب‌رسان، سرمایه‌گذاران، تنظیم‌کنندگان مقررات و سایر مشارکت‌کنندگان بازار اثرگذار است)، شکل می‌گیرد. این استدلال بر این فرض استوار است که عوامل بازار و عوامل سیاسی، انگیزه‌های را خلق می‌کند که بر رفتار مشارکت‌کنندگان بازار اثرگذار است (از جمله مدیران که تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی می‌باشند). چنین انگیزه‌های بر اعداد گزارش‌شده حسابداری از طریق تعامل پیچیده استانداردهای حسابداری، قوانین بورس اوراق

۷- پیشنهادهای پژوهش

بر طبق یافته پژوهش حاضر با نظریه اقتصاد سیاسی و فرضیه هزینه‌های سیاسی مطابقت دارد. طبق این نظریه هرگاه شرکت‌ها از نظر سیاسی در کانون توجه باشند، ارقام سود را مدیریت می‌نمایند. از این رو به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی پیشنهاد می‌شود تا در اقتصاد سیاست‌زده کشور در ارزیابی کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به سطح سیاست‌زدگی و وابستگی سیاسی شرکت‌ها توجه داشته باشند و آن را به‌عنوان یک متغیر در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند.

از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی وجود اثر روابط و نااطمینانی سیاسی را بر کیفیت سود شرکت‌ها مورد بررسی قرار دهند؛ چراکه وجود ارتباط سیاسی شرکت‌ها و حمایت مالی دولت‌ها از آن‌ها می‌تواند بر نحوه تأمین مالی، سودآوری و رشد شرکت‌ها مؤثر باشد.

یادداشت‌ها

- ¹ Frey
- ² Ifere and Okoi
- ³ Leuz and Oberholzer-Gee
- ⁴ Song et al.
- ⁵ Al-dhamari and Ku Ismail
- ⁶ Fan et al.
- ⁷ Sari and Anugerah
- ⁸ Populism Policy
- ⁹ Shleifer and Vishny
- ¹⁰ Guo and Ma
- ¹¹ Chaney et al
- ¹² Unemployment Benefits Plans
- ¹³ Dou et al.
- ¹⁴ Richardson et al
- ¹⁵ White et al
- ¹⁶ Lang et al
- ¹⁷ Dechow and Dichev
- ¹⁸ Mikhail et al
- ¹⁹ Schipper and Vincent
- ²⁰ Ball and Shivakumar
- ²¹ Dechow et al.
- ²² Faccio
- ²³ Downward
- ²⁴ Upward
- ²⁵ Qamar et al
- ²⁶ Jensen and Meckling
- ²⁷ Diamond
- ²⁸ Riahi-Belkaoui
- ²⁹ Watts and Zimmerman
- ³⁰ Dichev and Skinner

- ³¹ Gopalakrishnan and Parkash
- ³² Blau et al
- ³³ Bartov et al
- ³⁴ Fazzari
- ³⁵ Jelinek
- ³⁶ Fairfield et al
- ³⁷ Chan et al
- ³⁸ Huang et al
- ³⁹ Ben-Nasra et al
- ⁴⁰ Scott
- ⁴¹ Barton and Simko
- ⁴² Kim et al
- ⁴³ Chen et al
- ⁴⁴ Swastika
- ⁴⁵ Park and Shin
- ⁴⁶ Bushman and Smith
- ⁴⁷ Chuang et al
- ⁴⁸ Ang et al
- ⁴⁹ Xie et al
- ⁵⁰ Jiang et al
- ⁵¹ Iqbal and Strong
- ⁵² Czajor
- ⁵³ Hope
- ⁵⁴ Boubakria et al
- ⁵⁵ Narayanaswamy
- ⁵⁶ Liu
- ⁵⁷ He
- ⁵⁸ Sejati

۸- منابع

- * پورکاظمی، محمد حسین، مراد درویش، عبدالعزیز، والی، معصومه، (۱۳۹۳)، اقتصاد سیاسی ایران در دوره دولت نهم با استفاده از نظریه بازی‌ها، *مجله تحقیقات اقتصادی*، (۱)۴۹، ۱۹-۴۳.
- 10.22059/JTE.2014.50539
- * دینی ترکمانی، علی، مال‌جو، محمد، (۱۳۷۷)، اقتصاد سیاسی و علم اقتصاد، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، بهمن و اسفند، شماره ۱۳۷ و ۱۳۸، صص ۲۲۲ تا ۲۲۵.
- * علوی‌تبار، علیرضا، (۱۳۸۸)، اقتصاد سیاسی به‌عنوان یک برنامه پژوهشی، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، (۲)۹، ۱۷۳-۱۹۲.
- * کوچکی، علی، (۱۳۹۳)، چالش‌ها و الزامات خصوصی‌سازی با تأکید بر طرح توزیع سهام عدالت، *دانش حسابداری*، ۱۴ (۵۶)، ۱۷۱-۱۹۰.

<http://danesh.dmk.ir/article-765-fa.html>

- * Barton, J., & Simko, P.J. (2002). The balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review*, **77** (s-1), 1-27. <https://doi.org/10.2308/accr.2002.77.s-1.1>
- * Bartov, E., Gul, F.A., Tsui, J.S.L. (2000). Discretionary-Accruals Models and Audit Qualifications. *Journal of Accounting and Economics*, **30**(3), 421-452. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(01\)00015-5](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00015-5)
- * Ben-Nasra, H., Boubakri, N., & Cosset, J.C. (2015). Earnings Quality in Privatized Firms: The Role of State and Foreign Owners. *Journal of Accounting and Public Policy*, **34**(4), 392-416. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2014.12.003>
- * Blau, B. Brough, T. Thomas, D. (2013), Corporate lobbying, political connections and the bailout of banks, *Journal of Banking and Finance*. **37**, 3007-3017.
- * Boubakria, N., Ghoulb, S.E., & Saffar, W. (2015). Firm growth and political institutions. *Journal of Multinational Financial Management*, **31**, 104-125. <http://dx.doi.org/10.1016/j.mulfin.2015.05.003>
- * Bushman, R.M., & Smith, A.J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, **32**(1-3), 237-333. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(01\)00027-1](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00027-1)
- * Chan, K., Chan, L.K.C., Jegadeesh, N., & Lakonishok, J. (2006). Earnings quality and stock return. *The Journal of Business*, **79**(3), 1041-1082. <http://www.jstor.org/stable/10.1086/500669>
- * Chaney, P.K., Faccio, M., & Parsley, D. (2011). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms. *Journal of Accounting and Economics*, **51**(1-2), 58-76. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2010.07.003>
- * Chen, D., Li, J., Liang, Sh., & Wang, G. (2011). Macroeconomic control, political costs and earnings management: Evidence from Chinese listed real estate companies. *China Journal of Accounting Research*, **4** (3), 91-106. <https://doi.org/10.1016/j.cjar.2011.06.002>
- * Chuang, L., Xiuhong, L., Zhang, L. (2010). Earnings Quality and the Agency Costs of Controlling Shareholder, *International Conference on E-Business and E-Government. IEEE Computer Society Washington*, 5132-5135. 10.1109/ICEE.2010.1288
- * Czajor, P., Michalak, J., Waniak-Michalak, H., (2013). Influence of Economy Growth on Earnings Quality of Listed Companies in Poland. *Contemporary Practices in Finance and*
- * محمدی، حسین، شعبانیان، فرشاد، کاسب، آهون، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص Q توپین شرکتهای وابسته صنایع غذایی (مطالعه موردی: صنعت قند و شکر)، *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی*، **۲۸** (۴)، ۳۴۳-۳۵۱. DOI: [10.22067/jead2.v0i0.37129](https://doi.org/10.22067/jead2.v0i0.37129)
- * مشایخی، بیتا، محمدآبادی، مهدی، (۱۳۹۰)، رابطه مکانیزمهای حاکمیت شرکتی با کیفیت سود، *مجله پژوهشهای حسابداری مالی*، **۲** (۸)، ۱۷-۳۲.
- * نمازی، محمد، رضایی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، تأثیر نرخ تورم بر کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پژوهشهای تجربی حسابداری*، **۲** (۵)، ۶۷-۹۱.
- * نیکومرام، هاشم، بنی‌مهد، بهمن، رهنمای‌رودپشتی، فریدون، کیایی، علی، (۱۳۹۲)، دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، *مجله حسابداری مدیریت*، **۶** (۱۸)، ۳۱-۴۳.
- * نیکومرام، هاشم، محمدزاده سالطه، حیدر، (۱۳۸۹)، ارائه الگوی برای تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، *مجله حسابداری مدیریت*، **۳** (۴)، ۵۹-۸۰.
- * یزدانی، سهراب، شجاعی دیوکلاتی، سیدحسن، (۱۳۸۸)، تأثیر تمرکزگرایی بر اقتصادسیاسی عصر پهلوی اول، *تاریخ ایران*، شماره ۵، تابستان.
- * Al-dhamari, R., & Ku Ismail, K.N. (2015). Cash holdings, political connections, and earnings quality. *International Journal of Managerial Finance*, **11**(2), 215-231. <http://dx.doi.org/10.1108/IJMF-02-2014-0016>
- * Ang, J.S., Cole, R.A., & Lin, J.W. (2000). Agency costs and ownership structure. *Journal of Finance*, **55**(1), 81-106. <https://doi.org/10.1111/0022-1082.00201>
- * Bagherpour, M.A., Monroe, G.S., & Shaile, G. (2014). Government and Managerial Influence on Auditor Switching Under Partial Privatization. *Journal of Accounting and Public Policy*, **33**(4), 372-390. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2014.04.004>
- * Ball, R. & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness, *Journal of Accounting and Economics*, 3-128.

- Accounting*, 80(4), 48-58.
<http://dx.doi.org/10.5755/j01.ss.82.4.6602>
- * Dechow, P., Kothari, M.S.P., Watts, R. L. (1998). The relation between earnings and cash flows, *Journal of Accounting and Economics*, 25,133-168
 - * Dechow, P.M., Dichev, I.D. (2002). The quality of accruals and earnings: the role of accruals in estimation error. *The Accounting Review*, 77(s-1), 35-59.
<https://doi.org/10.2308/accr.2002.77.s-1.35>
 - * Dechow, P.M., Sloan, R.G., Sweeney, A.P. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193-225.
<http://www.jstor.org/stable/248303>
 - * Diamond, D.W. (1991). Monitoring and Reputation: The Choice between Bank Loans and Directly Placed Debt. *Journal of Political Economy*, 99(4), 689-721.
<http://www.jstor.org/stable/2937777>
 - * Dichev, I.D., Skinner, D.J. (2002). Large Sample Evidence on the Debt Covenant Hypothesis. *Journal of Accounting Research*, 40(4), 1091-1123. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.00083>
 - * Dou, Y., Khan, M., Zou, Y. (2016). Labor Unemployment Insurance and Earnings Management. *Journal of Accounting and Economics*, 61(1), 166-184.
<https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2015.06.001>
 - * Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American Economic Review*, 96(1), 369-386.
<http://www.jstor.org/stable/30034371>
 - * Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and no connected firms: A cross-country analysis. *Financial Management*, 39(3), 905-928. <https://doi.org/10.1111/j.1755-053X.2010.01099.x>
 - * Fairfield, P.M., Whisenant, J.S., & Yohn, T.L. (2003). Accrued Earnings and Growth: Implications for Future Profitability and Market Mispricing. *The Accounting Review*, 78(1), 353-371. <http://www.jstor.org/stable/3203307>
 - * Fan, J.P.H., Wong, T.J., & Zhang, T. (2007). Politically Connected CEOs, Corporate Governance, and Post-IPO Performance of China's Newly Partially Privatized Firms. *Journal of Financial Economic*, 84(2), 330-357.
<https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2006.03.008>
 - * Fazzari, S.M., Hubbard, R.G., & Petersen, B.C. (2000). Investment-Cash Flow Sensitivities Are Useful: A Comment on Kaplan and Zingales. *The Quarterly Journal of Economics*, 115(2), 595-705. <http://www.jstor.org/stable/2587007>
 - * Frey, B.S. (1978). *Modern Political Economy*. New York: John Wiley & Sons Inc.
 - * Gopalakrishnan, V., Parkash, M. (1995). Borrower and Lender Perceptions of Accounting Information in Corporate Lending Agreements. *Accounting Horizons*, 9(1), 13-26.
 - * Guo, F., & Ma, Sh. (2015). Ownership Characteristics and Earnings Management in China. *The Chinese Economy*, 48(5), 372-395, <https://doi.org/10.1080/10971475.2015.1067086>
 - * He, G. (2016). Fiscal Support and Earnings Management. *The International Journal of Accounting*, 51(1), 57-84.
<https://doi.org/10.1016/j.intacc.2016.01.009>
 - * Hope, O-K., Thomas, W.B., & Vyas, D. (2013). Financial Reporting Quality of U.S. Private and Public Firms. *The Accounting Review*, 88(5), 1715-1742. <https://doi.org/10.2308/accr-50494>
 - * Huang, P., Zhang, Y., Deis, D.R., & Moffitt, J.S. (2009). Do artificial income smoothing and real income smoothing contribute to fair value equivalently?. *Journal of Banking & Finance*, 33(2), 224-233.
<https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2008.07.012>
 - * Ifere, E.O., & Okoi, B.O. (2017). Political economy of fiscal deficits in a democracy. *Economia*, 19(1), 12-23.
<https://doi.org/10.1016/j.econ.2017.10.002>
 - * Iqbal, A., Strong, N., (2010). The effect of corporate governance on earnings management around UK rights issues. *International Journal of Managerial Finance*, 6 (3), 168-189
<https://doi.org/10.1108/17439131011056215>
 - * Jelinek, S, (2007). Agency Costs of Free cash Flow, Corporate Finance and Takeover. *American Economic Review*, 2 (76), pp 323-329.
 - * Jensen, M.C., Meckling, W.H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
[https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
 - * Jiang, W., Lee, P., Anandarajan, A., (2008). The association between corporate governance and earnings quality: Further evidence using the GOV-Score. *Advances in Accounting*, 24(2), 191-201
<https://doi.org/10.1016/j.adiac.2008.08.011>
 - * Kim, Y., Liu, C., & Rhee, S.G. (2003). The Effect of Firm Size on Earnings Management. Working paper.
<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.518.3838&rep=rep1&type=pdf>

- * Lang, M., Raedy, J.S., Yetman, M.H. (2003). How representative are firms that are cross-listed in the United States? An analysis of accounting quality. *Journal of Accounting Research*, **41**(2), 363-386. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.00108>
- * Leuz, C., & Oberholzer-Gee, F. (2006). Political relationships, global financing, and corporate transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, **81**(2), 411-439. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.06.006>
- * Liu, M. (2017). The Link between Firms' Political Connections and Earnings Quality: Evidence from China. *CMC Senior Theses*. 1682. http://scholarship.claremont.edu/cmc_theses/1682
- * Mikhail, M., Walther, B., Willis, R. (2003). Reactions to dividend changes conditional on earning quality, *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, **18**(1):121-151.
- * Mohammadrezaei, F., Mohd-Saleh, N., & Banimahd, B. (2012). Political Economy of Corporate Governance: The Case of Iran. *International Journal of Business Governance and Ethics*, **7**(4), 301-330. [10.1504/IJBGE.2012.051225](https://doi.org/10.1504/IJBGE.2012.051225)
- * Namazi, M., & Rezaei, G. (2016). The Effects of Earnings Quality Criteria on the Agency Costs: (Evidence from Tehran Stock Exchange Market). 3rd International Conference on New Challenges in Management and Organization: Organization and Leadership, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, **230**, 67-75. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.09.009>
- * Narayanaswamy, R. (2013). Political Connections and Earnings Quality: Evidence from India. *IIM Bangalore Research Paper*, 433. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2359322>
- * NellySari, R., Anugerah, R. (2011). The Effect of Political Influence and Corporate Transparency on Firm Performance: Empirical Evidence from Indonesian Listed Companies. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, **7**(8), 773-783. <https://DOI:10.17265/1548-6583/2011.08.001>
- * Park, Y.W., & Shin, H.H. (2004). Board composition and earnings management in Canada. *Journal of Corporate Finance*, **10**(3), 431-457. [https://doi.org/10.1016/S0929-1199\(03\)00025-7](https://doi.org/10.1016/S0929-1199(03)00025-7)
- * Qamar, M.A.J., Shahzad, A., & Masood, S. (2015). The Relationship between Debt Financing and Reported Earnings Quality: An Empirical Analysis of Non-financial Firms of Pakistan. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*, **5**(7), 13-19. [https://www.textroad.com/pdf/JAEBS/J.%20April.%20Environ.%20Biol.%20Sci.,%205\(7\)13-19.%202015.pdf](https://www.textroad.com/pdf/JAEBS/J.%20April.%20Environ.%20Biol.%20Sci.,%205(7)13-19.%202015.pdf)
- * Riahi-Belkaoui, A. (2004a). Accounting Theory (5th ed.). London: Thomson learning.
- * Riahi-Belkaoui, A. (2004b). Politically-Connected Firms: Are They Connected To Earnings Opacity?. *Research in Accounting Regulation*, **17**(1), 25-38. [https://doi.org/10.1016/S1052-0457\(04\)17002-1](https://doi.org/10.1016/S1052-0457(04)17002-1)
- * Richardson, V.J. (2000). Information asymmetry and earnings management: some evidence. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, **15**(4), 325-347. <https://doi.org/10.1023/A:101209840>
- * Sari, R.N., & Anugerah, R. (2011). The Effect of Corporate Transparency on Firm Performance: Empirical Evidence from Indonesian Listed Companies. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, **7**(8): 773-783. <http://www.davidpublisher.org/index.php/Home/Article/index?id=2441.html>
- * Schipper, K., Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*, **17**(Supplement), 97-110.
- * Scott, W.R. (2003). Financial Accounting Theory (3rd ed.). Pearson Publishers.
- * Sejati, Y.A. (2009). Political Connections and Earnings Quality: Evidence from Malaysia. Oklahoma State University, PhD these. <https://hdl.handle.net/11244/7143>
- * Shleifer, A., & Vishny, R.W. (1994). Politicians and Firms. *The Quarterly Journal of Economics*, **109**(4), 995-1025. <http://www.jstor.org/stable/2118354>
- * Song, Y., Wang, L., & Zi, Y. (2011). Impacts of Political Connections on Earnings Quality of Chinese Private Listed Companies. *Advances in Education and Management*, 85-92. http://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-642-23062-2_13.
- * Swastika, D.L.T. (2013). Corporate Governance, Firm Size, and Earning Management: Evidence in Indonesia Stock Exchange, *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)*, **10**(4), 77-82. www.iosrjournals.org
- * Watts, R. L., Zimmerman, J.L.M. (1986). Positive Accounting Theory. Prentice-Hall Inc.
- * White, G., Sondhi, A., Fried, D. (2003). The analysts and use of financial statements. John Wiley and Sons, third edition, 767.
- * Xie, B., Davidson, W.N., DaDalt P, J., (2003). Earnings management and corporate

governance: the role of the board and the audit committee. *Journal of Corporate Finance*. 9(3),

295-316 [https://doi.org/10.1016/S0929-1199\(02\)00006-8](https://doi.org/10.1016/S0929-1199(02)00006-8)

Justice Shares and Earnings Quality: A Political Economy Perspective

Mohsen Imeni¹
Fereydoon Rahnamay Roodposhti²
Bahman Banimahd^{3*}
Hashem Nikomaram⁴

Abstract

Political economy, social science is that explores the dynamic interaction between market forces and the government, and examines the effects of the tension and conflict between the two is in the community. The influence of political powers is effectively on firms' performance, and corporate managers that are at the center of political attention, they find motivated to adapt to accounting practices through which they can manage earnings. Under justice Share's scheme, the government is required to distribute shares of profitable state-owned firms to the public; And may these companies managers through the use of political influence their manage earnings, and therefore will be important the study of the effect of this influence on the quality of earnings. This research studies the effect justice shares on the quality of earnings, with an emphasis on political economy perspective in the listed firms in Tehran Stock Exchange. Linear multivariate models have been used to test the relationship between research variables. The research sample consisted of 130 firms during the years 2012 to 2017 (6 years period). The results of the research indicate that the existence of justice shares in the ownership structure has a significant negative effect on the quality of earnings. Because in the developing countries, the economic system is dominated the connection and influence of government, and therefore be controlled and supported by the state and its affiliated institutions; thus, the influence of government and political management in companies can reduce their quality of earnings. Hence, the results of the research confirm the application of the theory of political economy regarding the adoption of macroeconomic policies (justice shares) and their effects on the quality of earnings.

Keywords: Government Economic Policies, Political Economy, Management and Quality Earning, the Justice Shares, Principle (44).

¹ PhD Student of Accounting, Islamic Azad University ,Rasht Branch, Rasht, Iran

² Professor of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

³ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran (Corresponding Author, dr.banimahd@gmail.com)

⁴ Professor of Accounting, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran